



باسمه تعالی

شخصیت محوری (هشتم)

چگونه قصه تعریف کنیم (۲)

د) بازی با صدا

صدای خود را متناسب با شخصیت‌های داستان تغییر بدهید. میان صدایی که برای شخصیت داستان انتخاب می‌کنید، با صفت اصلی آن شخصیت باید تناسبی وجود داشته باشد؛ مثلاً یک مرد جنگی صدایش با یک پیرمرد باید متفاوت باشد؛ اما صدای همین مرد جنگی وقتی در جبهه حق و به قول بچه‌ها از آدم خوب‌هاست باید متفاوت باشد با آن مرد جنگی که در جبهه باطل و باز هم به قول بچه‌ها از آدم بدهاست.

حتما صدای خودتان را متناسب با شرایط مختلف قصه آهسته و بلند کنید. وقتی که فردی در قصه فریاد می‌زند، شما هم صدایتان را بالا ببرید و اگر شخصیت قصه شما برای این که صدایش را کسی نشنود، آهسته حرف می‌زند، شما هم آهسته حرف بزنید. ترس را با لرزندان صدا، خوشحالی را با تزریق شغف به صدایتان به نمایش بگذارید.

در یک قصه اگر یک پادشاه، وزیر و یک اسیر جنگی باشند؛ اما شما وقتی



سخنان این سه را نقل می‌کنید، هیچ تغییری در صدایتان ایجاد نکنید، نمی‌توانید حس خوب قصه شنیدن را آن‌طور که باید به کودک منتقل کنید.

ه) صداگذاری

در یک قصه علاوه بر شخصیت‌های انسانی که حرف می‌زنند، عناصر دیگری هم وجود دارد که بی‌زبان هستند؛ اما از خودشان صدایی تولید می‌کنند؛ مثلاً درب خانه. شما می‌توانید بگویید «او در زد» و قصه را ادامه بدهید، می‌توانید پس از گفتن «او در زد» صدای در زدن را در بیاورید: «تق و تق و تق». می‌توانید بگویید «سوار بر اسب شد و به طرف دشمن رفت». می‌توانید پس از این صدای پای اسب را هم در بیاورید: «پتیکوپتیکو». می‌توانید بگویید که از ترس قلبش به تندی می‌زد، می‌توانید بعد از این جمله صدای تپش تند قلب را هم در بیاورید: «تاپ تاپ تاپ تاپ»

و) سرعت بیان

اگر سرعت بیان داستان با محتوا تناسب داشته باشد، در ایجاد حس واقعی به بچه‌ها کمک زیادی می‌کند. جایی که اتفاقات به سرعت در حال افتادن است، شما هم کلمات را با سرعت ادا کنید و جایی که اتفاقات به کندی در حال جریان است، شما هم کلمات را با سرعت کمتری بیان کنید. وقتی فضای قصه ترس‌آلود می‌شود، سرعت بیان باید کم شود. وقتی هم که قصه رو به شادی و شغف می‌رود، می‌توان با زیاد کردن سرعت، این شادی را به



نمایش گذاشت؛ البته ممکن است در جایی برای ترسیم فضای ترس آلود نیاز باشد سرعت بیان شما تند؛ اما همراه با لحنی ترسیده باشد.

کم کردن یا زیاد کردن سرعت به صورت ناگهانی هم جذابیت بیان شما را زیاد می‌کند.

گاهی هم باید متوقف شد و چند ثانیه‌ای میان قصه سکوت کرد.

ز اجرای قصه

می‌شود همان‌طور که بچه دراز کشیده و می‌خواهد بخوابد، ما هم درازکش برای او قصه‌ای بگوییم. می‌شود بنشینیم و قصه را تعریف کنیم؛ اما می‌شود در حالت ایستاده قصه را اجرا کنیم.

کافی است یک بار امتحان کنید تا یقین کنید که این نوع از قصه‌گویی چه نشاطی به فرزندتان می‌دهد.

اجرا کردن قصه یعنی این که شما فضای قصه و شخصیت‌های قصه را با حرکات خودتان به نمایش بگذارید. مثلاً اگر شخصیتی در داستان شما از بیرون می‌آید و در خانه می‌نشیند، شما هم چند قدمی راه بروید و بعد هم بنشینید.

گاهی برای این که کودک، بهتر در فضای قصه قرار بگیرد، او را هم در اجرای قصه مشارکت بدهید؛ مثلاً به بخشی از قصه می‌رسید که قهرمان قصه کودکی را روی خودش سوار می‌کند، کودک را بر پشت خود سوار کنید و یا وقتی که در قصه دو نفر بر سر سفره نشسته و غذا می‌خورند، از کودک دعوت



کنید تا او هم روبروی شما بنشیند و نمایش غذا خوردن را بازی کند.

ح) قصه شعر

قصه‌هایی که با زبان شعر بیان شده، جذابیت خاصی برای کودکان دارد. آهنگین بودن شعر، شنیدن را برای کودکان شیرین‌تر می‌کند. بچه‌ها دوست دارند قصه‌هایی را که به صورت شعر گفته می‌شود بارها و بارها بشنوند و حتی آن را حفظ کنند.

اگر قصه‌ای که می‌خواهید تعریف کنید، به صورت شعر نیست، سعی کنید برخی از جملات آن را آهنگین بگویید.

دو نکته

الف) برخی از اعضای کانال درخواست معرفی کتاب قصه برای کودکان داشته‌اند. این کار در برنامه‌های آینده انجام خواهد شد.

ب) می‌دانم که این روزها اوضاع کانال منظم نیست؛ اما مدیران کانال هیچ تقصیری ندارند. تأمین غذای کانال بر عهده بنده است و همان طور که پیش از این در کانال هم آمد، تراکم کاری بنده باعث شده که نتوانم غذای کانال را تأمین کنم. امیدوارم هر چه زودتر اوضاع به حالت عادی برگردد؛ اما اگر نشد، از همه شما عذرخواهی کرده و کانال را تعطیل خواهم کرد.

موفق باشید